



سكانس‌های متفاوت
از پرونده دختر اسیدپاش

اسید، قتل و بخشش

سكانس دوم: دستگیری دختر اسیدپاش

پس از صحبت‌های دختر جوان، ماموران از برادر او تحقیق کرده و خیلی زود هویت متهم به نام ساره شناسایی شد. او از مدتی قبل با رامین رابطه احساسی داشت اما با پایان یافتن این رابطه، تصمیم گرفته بود از رامین انتقام بگیرد و خواهر او را قربانی همین تصمیم خود کرد.

ساره بعد از دستگیری در بازجویی‌ها به اسیدپاشی اعتراف کرد و گفت: چند ماه قبل با رامین آشنا شده و از او خوشم آمد. پسر جذابی بود. یک روز مرا غافلگیر کرد و مورد آزار و اذیت قرار داد. بعد از مدتی هم مرا رها کرد و به تلفن‌هایم جواب نمی‌داد. به خاطر ترس از آبرو نمی‌توانستم از رامین شکایت کنم. به همین خاطر تصمیم گرفتم به مقابل خانه‌شان بروم و گلایه‌ها را به پدر و مادرش بکنم. وقتی به مقابل خانه‌شان رفتم، خواهرش را دیدم. ماجرای آزار و اذیت‌های رامین را به او گفتم و خواستم آدرس برادرش را بدهد اما او با تندی بامن برخورد کرد. او من را مقصر این ماجرا می‌دانست و از برادرش دفاع می‌کرد. درگیری لفظی ما شدت گرفت و از داخل کیفم ظرف اسید را بیرون آورده و روی او ریختم و از محل گریختم. داخل قوطی مایع شوینده بود و فکر نمی‌کردم این آسیب را وارد کند. آن روز خواهرم همراه من آمده بود اما در ماجرای اسیدپاشی نقشی نداشت.

ماموران در ادامه از خواهر ساره تحقیق کردند که او اظهار کرد: من از ماجرای اسیدپاشی خبر نداشتم. وقتی خواهرم مجرای آزار و اذیت‌های رامین را تعریف کرد، همراهش آمدم تا با پدر و مادر رامین صحبت کنیم. نمی‌دانستم خواهرم همراه خود اسید آورده است. خواهرم بعد از مجرای آزار و اذیت‌های رامین از نظر روحی به هم ریخته بود و حتی به خودکشی هم فکر کرده بود.

سكانس پایانی: بخشش

با گذشت شش سال از این جنایت، تلاش‌های خانواده ساره برای کسب رضایت به نتیجه رسید و اولیای دم او را بخشیدند. با بخشش اولیای دم، ساره از جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه قرار گرفت و گفت: پدر و مادرم در این سال‌ها برای کسب رضایت خیلی تلاش کردند. خانواده زیبا حاضر نبودند با خانواده من صحبت کنند. پدر و مادرم برای نجات من از قصاص، بزرگان فامیل آنها را واسطه کردند. در این سال‌ها در زندان روز و شب‌های سختی را سپری کردم و نزد خانواده‌ام هیچ آبرویی ندارم. حالا از دادگاه درخواست دارم مرا ببخشند تا بتوانم به خانه برگردم.

پس از دفاعیات دختر جوان، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند. [

دختر جوان تصور نمی‌کرد، وقتی برای حل مشکل با پسر مورد علاقه‌اش به مقابل خانه آنها می‌رود، سرنوشت برای او روزهای سختی را رقم می‌زند. دختر جوان تا یک قدمی مرگ رفت، اما بخشش راه نجاتش از چوبه‌دار شد.

امیرعلی
حقیقت‌طلب
تپش

سكانس اول: «سو ختم، سو ختم»

آغاز ماجرا به شش سال قبل برمی‌گردد. یک روز سرد پائیزی، صدای «سو ختم، سو ختم» دختر جوانی سکوت محله‌ای در تهران را شکست. اهالی محل وقتی از خانه بیرون آمدند با زیبا روبه‌رو شدند که سوزش سوختگی امانش را بریده بود. سریع او را با کمک امدادگران اورژانس به بیمارستان سوانح سوختگی منتقل کردند که در آنجا مشخص شد، او قربانی اسیدپاشی شده و میزان سوختگی زیاد است.

پس از چند روز زیبا با بهبودی حالش توانست، جزئیات این اسیدپاشی را فاش کند. او به مامور تحقیق گفت: از بیرون به خانه بر می‌گشتم که با دختر جوانی مقابل خانه‌مان روبه‌رو شدم. او با دیدن من شروع به فحاشی به پدر و مادرم کرد. وقتی دلیل این رفتار را پرسیدم، مدعی شد برادرم رامین او را مورد آزار و اذیت قرار داده و حاضر به ازدواج با او نیست. ناراحت شدم و به او گفتم اگر اتفاقی افتاده مقصر خودش است و نباید به پدر و مادرم توهین کند. او وقتی این جواب را از من شنید، از داخل کیفش، یک بطری بیرون آورد و محتویات آن را روی صورتم ریخت. از شدت سوختگی فریاد می‌زدم و دختر جوان همراه دختر دیگری که منتظر او بود از محل فرار کردند.

سكانس سوم: دو محاکمه متفاوت

در ادامه پرونده این اسیدپاشی به دادگاه ارسال شد. در جلسه محاکمه رامین ادعاهای ساره را رد کرد و گفت: من متهم را آزار ندادم و نمی‌دانم چرا این ادعا مطرح می‌کند. زیبا هم برای دختر اسیدپاش درخواست قصاص کرد. در حالی که پرونده روند خود را طی می‌کرد، دختر جوان بر اثر شدت سوختگی و عوارض ناشی از آن جان باخت و ساره در برابر اتهام قتل عمدی قرار گرفت. در جلسه رسیدگی به این اتهام، اولیای دم درخواست قصاص کردند. مادر زیبا به قضات گفت: دو سال دخترم به خاطر عوارض اسیدپاشی زجر کشید. ریه و مری‌اش آسیب شدیدی دیده بود. گاهی با سرم او را نگه می‌داشتیم. به همین خاطر درخواست قصاص داریم.

ساره در این جلسه اتهام قتل عمدی را رد کرد و گفت: من انگیزه‌ای برای قتل زیبا نداشتم. مایع شوینده روی او ریختم و اسید همراه نداشتم. رامین زندگی مرا به جایی رسانده بود که باید او را بر می‌گرداندم. اگر نمی‌توانستم او را برگردانم، باید به خودکشی فکر می‌کردم. آن روز وقتی مشکل را به زیبا گفتم او مرا به تندی خطاب قرار داد که باعث عصبانیتم شد.

قضات دادگاه پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قتل عمد را تأیید کرده و حکم به قصاص ساره دادند. ساره به حکم مجازاتش اعتراض کرد که این حکم در دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد.



دختر جوان که به
خاطر شکست
عشقی، خواهر پسر
مورد علاقه‌اش را
قربانی اسیدپاشی
کرده و تا یک قدمی
قصاص پیش رفته بود
با بخشش اولیای دم
قربانی اسیدپاشی به
زندگی بازگشت

